

رابطه ولایتمداری با عزت نفس

نویسنده مهناز جوانمرد^۱

چکیده

از نیازهای انسان عزت نفس است که باید به آن توجه جدی داشت. برای برخورداری از عزت نفس کافی راه‌هایی وجود دارد که از جمله آنها ولایتمداری است یعنی انسان ولایتمدار از عزت نفس برخوردار می‌شود که هدف از این پژوهش بیان ارتباط عزت نفس با ولایتمداری است. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و روش پردازش اطلاعات این پژوهش توصیفی تحلیلی است و یافته‌های حاصل از آن نشان می‌دهد که عزت نفس سبب ولایتمداری انسان می‌شود؛ زیرا کسی که از عزت نفس برخوردار باشد تحت ولایت هرکسی قرار نمی‌گیرد و از هر کسی اطاعت نمی‌کند و همچنین ولایتمداری با تغییر بینش فرد نسبت به خویش و آینده موجب او می‌شود. انسان ولایتمدار با آسودگی خاطر نسبت به آخرت با انجام وظیفه خود نسبت به ولی خدا نیز از سلامت روان بیشتری برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: انسان، عزت نفس، ولایتمداری.

^۱ طلبه سطح دو مدرسه علمیه بنت الرسول سلام الله علیها الشتر، mhnazjwanmard@gmail.com

مقدمه

عزت نفس به عنوان اساسی ترین نیاز انسان، در شکل گیری شخصیت مفید و اثرگذار در همه سطوح زندگی، بی گمان اثرات مثبتی را در جامعه به دنبال خواهد داشت. داشتن عزت نفس کافی عاملی ضروری برای بهزیستی و سلامت روان است. عزت نفس خوب است چون به پرورش مهارت‌های مقابله‌ای، مدیریت دشواری‌ها و ارزیابی دقیق شرایط منفی کمک می‌کند. از طرفی برخی عوامل بر عزت نفس انسان اثر می‌گذارند به عنوان نمونه ولایتمداری در داشتن عزت نفس بالا بسیار اثرگذار است و همچنین عزت نفس سبب می‌شود که انسان ولایتمدار باشد و از هر کسی تبعیت نکند که هدف از این پژوهش بیان ارتباط این دو است.

در این پژوهش به این سوال پاسخ داده می‌شود: ارتباط عزت نفس با ولایتمداری چیست؟

تا آنجا که نگارنده بررسی نموده در زمینه مورد بحث مقالات و نوشته‌های به صورت مستقل در این زمینه یافت نشده است و برخی نوشته‌های نزدیک که عبارتند از: کتاب «سیری در تربیت اسلامی» (تهرانی، ۱۳۸۳) در این کتاب به نقش‌های عزت نفس در تربیت پرداخته است و مقاله «کارکردهای تربیتی عزت نفس و نقش آن در سلامت روان از منظر قرآن و روایات» (عسکری و دیگران، ۱۳۹۵) در این مقاله راه‌های دستیابی به عزت نفس و طرق تاثیر آن بر سلامت روان را بررسی می‌کند اما هیچ یک از این آثار ارزشمند به بیان ارتباط عزت نفس با ولایتمداری نپرداخته‌اند.

مفاهیم و اصطلاحات

ولایت: «ولی» و «ولاء» به معنای قرار گرفتن چیزی بعد از چیزی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص

۳۶۵؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۲۴۶) به بیان دیگر «ولی» به حصول دو چیز یا بیشتر در کنار هم، بی

آنکه بین آنها چیزی دیگر فاصله شود، گفته می‌شود. برخی ارباب لغت آن را به معنای قرب و نزدیک

می دانند(ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص ۳۲۱؛ جوهری ۱۳۷۶ق، ج ۶، ص ۲۵۲۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق،

ج ۶، ص ۱۴۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۶۴).

فیومی میگوید: «أُولَى بِمَعْنَى فَاعِلٍ مِنْ وَلِيَّهِ إِذَا قَامَ بِهِ وَ كُلٌّ مَنْ وَلِيَ أَمْرَ أَحَدٍ فَهُوَ (وَلِيَّهِ)» (فیومی،

۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۷۲)؛ «ولی» به معنای فاعل از «ولیه» کسی را گویند که به کار دیگری قیام کند

و هرکس کار دیگری را به عهده گرفت ولی اوست. این معنا را دیگر لغویان نیز آورده اند (ر.ک جوهری،

۱۳۷۶ق، ج ۶ ص ۲۵۲۸؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۲۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵ ص ۴۰۷) آنان

برای این معنا یتیم و زن را مثال زده اند؛ زیرا دیگری سرپرستی امورشان را به عهده گرفته است. بنابراین

«ولی» کسی است که مالک تدبیر و سرپرست دیگران است.

منظور از ولایت پذیری محبت صرف نسبت به اهل بیت نیست بلکه پذیرش سرپرستی ایشان و اطاعت

و تبعیت از دستورات و سیره آن بزرگان است، ولایت پذیری و اطاعت از ایشان، دستور الهی است و

خداوند در قرآن کریم فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»

(نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر

اوصیای پیامبر را خداوند در این آیه و آیات دیگری (آل عمران: ۳۲ و ۱۳۲) به اطاعت از پیامبر خود

توصیه فرموده است؛ زیرا رسول خدا (ص) از طرف خداوند است و هر آنچه می گوید همه وحی الهی

است (نجم ۴۳) اولی الامر نیز در ردیف پیامبر هستند و از آنجا که رسول و اولی الامر یکی هستند،

اطیعوا برای اولی الامر تکرار نشده و هر دو اطاعت خداوند متعال است (دستغیب، ۱۳۶۳، ص ۱۲۷) بر

این اساس کسی که از اهل بیت اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده است و کسی که از آنها سرپیچی

کند از خدا متعال سرپیچی کرده است (صدوق، ۱۳۷۶ق، ص ۴۷۶) در روایتی از امام صادق علیه السلام

آمده است: «كَذَّبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا وَ هُوَ مُتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا» (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۳؛ همو،

۱۴۰۳ق، ص ۳۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۸) دروغ پنداشته کسی که خود را شیعه ما بداند در

حالی که به ریسمان غیر ما چنگ میزند.

در حدیث دیگری از همان امام آمده است: «شیعه ما نیست کسی که به زبان بگوید شیعه هستیم اما در عمل با ما مخالفت کند رفت و آثار ما را زیر پا گذارد، شیعه ما کسی است که با زبان و دل با ما موافق باشد و آثار ما را پیروی کند و مانند ما رفتار کند چنین کسانی شیعه واقعی ما هستند». (حر عاملی ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۱۹۶) بنابراین ولایت مداران راستین کسانی هستند که در قول عمل و قلب خود ولایت اهل بیت را بپذیرند و در راستای مسیر ایشان گام بردارند.

عزت نفس: عزت نفس کلمه ایست مرکب از دو بخش «عزت» و «نفس». عزت در لغت به معنای شدت، قوت و غلبه است. (راغب، ۱۹۹۶، ص ۵۶۳) و در اصطلاح به معنای وضعیتی است که انسان به سبب آن از استواری و محکمی برخوردار باشد و مغلوب هیچ چیز و هیچ کس نمی شود. (شجاعی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴)

عزت یعنی داشتن صلابت، شکست ناپذیری و تحت تصغیر دیگری در نیامدن است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۵۶۳) به همین دلیل کسی که از ارزش وجودی خود صیانت می کند و ارزش های خود را از تصغیر دیگری حفظ می کند را عزیز می نامند. (معین، ۱۳۸۵، ص ۲۲ و ۹۸)

با توجه به آنچه بیان شد معنای عزت، سر سختی، مقاومت، نیرومندی و شکست ناپذیری است و هر فردی که در برابر سختی ها و مشکلات زندگی، سرسخت باشد و با روحیه شکست ناپذیری با مشکلات مواجه شود به همان میزان که احتمال پیروزی آنها بالا می رود، به همان اندازه از نظر دیگران صاحب ارجمندی و احترام می شود لذا احترام و ارجمندی از لوازم عزت هستند.

عزت نفس یعنی داشتن شرافت و مناعت. (دهخدا، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۹۸۴) عزت نفس، یعنی حاکم بودن خود ارزشی، یعنی ارزش قائل شدن برای توانمندی های خود. (سالاری فر، ۱۳۹۳، ص

این صفت از برجسته ترین صفات انسان مومن است زیرا به سبب این صفت است که انسان در مقابل سایر بندگان خود را ذلیل نمی کند و ارزش خود را تنها در اتصال اعمال و افکارش به آنچه خداوند می پسندد می داند.

ارتباط بین عزت نفس و ولایت‌مداری در بعد شناختی

همانطور که بیان شد «ولی» کسی است که مالک تدبیر و سرپرست دیگران است. (ابن منظور،

۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۴۰۷)

و منظور از ولایت پذیری محبت صرف نسبت به اهل بیت نیست بلکه پذیرش سرپرستی ایشان و اطاعت و تبعیت از دستورات و سیره آن بزرگواران است، ولایت پذیری و اطاعت از ایشان دستور الهی است.

شخصی که دارای عزت نفس است از هر کسی را شایسته پیروی و اطاعت نمی داند؛ زیرا خود را ارزشمند تر از آن می داند که از انسان های پست پیروی کند و از طرف دیگر پیروی از برخی افراد سبب عزت فرد می شود.

خداوند اطاعت و تبعیت کردن از نمایندگان و فرستاده هایش را برای مردم واجب و لازم قرار داده و نتیجه این تبعیت ارزشمندی و عزت انسان است.

« الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ سپس آنان که به او یعنی پیامبر گرویدند و از او عزّت و حرمت نگه داشتن و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه به حقیقت از رستگاران عالمند». (اعراف: ۱۵۷)

یکی دیگر از ثمرات پذیرش ولایت معصومان ایمنی از آسیب های اخروی است. بر اساس روایات مراد از استقامت در آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَكُتُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا (فصلت: ۳۰) به یقین کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است. سپس استقامت کردند فرشتگان بر آنان نازل میشوند که نترسید و غمگین مباشید استقامت بر ولایت امیر المؤمنین و ائمه است صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۹۴ کوفی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۸۲ این شهر آشوب مازندرانی ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۳۳۰ دیلمی، ۱۴۲۷ق ص ۱۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۸) بنابراین کسانی که بر ولایت ائمه استقامت کنند و پیرو آنان باشند فرشتگان هنگام مرگ به آنها بشارت میدهند که نترسید و اندوهناک نباشید و این به خاطر استقامت سکوت شما و حفظ و عدم ترویج احادیث، نزد دشمنان بوده است. (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۹۴ حلی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۷۴) عدم خوف و اندوه در قیامت همان امنیت و مصونیت شیعیان در قیامت است که خود موجب اطمینان و آرامش پیروان اهل بیت می شود.

بر اساس مفاهیم دینی در سایه معرفت و ولایت نسبت به اهل بیت شیعیان و پیروان امیر مؤمنان از رستگاران هستند (صدوق ۱۳۷۶، ص ۴۳۹؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق ج ۲، ص ۴۶۷ اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۱، ص ۵۳ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷ ص ۱۴۳) چنین سعادت نصیب شیعیان ایشان میشود. بدیهی است. که هر شخصی در طلب سعادت است و همواره دین داران در صدد کسب سعادت خود هستند پس این امتیاز نیز موجب ثابت قدم شدن فرد در مسیر و افزایش اطمینان قلبی او می شود

یکی دیگر از تعالیم اهل بیت که روح امید را در دل پیروانشان زنده و آنان را به آینده امیدوار میکند شفاعت است. زیارت جامعه کبیره»، شفاعت اهل بیت را مقبول دانسته است (صدوق، ۱۳۷۸ق ج ۲، ص ۲۷۷؛ پس مشروع و به اذن الهی است و نافذ خواهد بود بر اساس این باور پیروان اهل بیت که در دنیا تحت تأثیر شیطان یا هوای نفس دچار خطا شده اند با شفاعت امید خود را از دست نمی دهند. آنان با خطاهای صورت گرفته راه را بر خود بسته نمی بینند و همچنان به فضل الهی امیدوارند؛ زیرا نا امیدی خود منشأ مشکلات فراوانی است و در پی آن فرد مأیوس می گردد. وی با گمان طرد شدن از

درگاه الهی خود را از درگاه الهی دور میدانند. چنین شخصی آمادگی بیشتری برای گناه و انحراف دارد و ممکن است سرانجام با این تفکر به پوچی برسد از این رو اسلام راه های مختلفی برای بازگشت فرد گذاشته تا وی پس از خطا و اشتباه ناامید نشود و بازگردد و در نتیجه بهداشت روانی فرد حفظ شود.

نتیجه گیری

عزت نفس به معنای آن است که شخص نفس خود را دارای عظمت، کرامت، بزرگواری، ارجمندی، ارج و سرافرازی بداند. عزت نفس سبب بالندگی و رشد روح و روان انسان می شود.

عزت نفس با تأثیر قوی خود در حوزه معرفتی انسان و همچنین حوزه رفتاری او تأثیر بسیار عمیقی بر سلامت روان دارد و بسیاری از نیازهای روانی انسان را تأمین می کند.

شخصی که دارای عزت نفس است از هر کسی پیروی و اطاعت نمی کند زیرا پیروی از برخی افراد سبب ذلت می شود از طرف دیگر پیروی از برخی افراد سبب عزت فرد می شود. ولایت پذیری موجب اطمینان روحی و معنوی افراد می شود موجب امنیت و اطمینان جانی نیز می گردد.

از جمله عواملی که سبب می شود انسان از عزت نفس برخوردار شود ولایتمداری است زیرا انسانی که ولایتمدار است از هر کسی تبعیت و پیروی نمی کند و از طرفی ولایتمداری و پیروی نمودن از افرادی که خوداوند امر نموده خود سبب عزت انسان می شود.

با بررسی های صورت گرفته مشخص می شود که ولایتمداری بر سلامت روان انسان نیز اثر گذار است زیرا ولایت مداری ابتدا بینش انسان را نسبت به خویش تغییر می دهد و به تبع آن بینش او نسبت به زندگی و آینده را به صورت صحیح که موافق سلامت روان است را تغییر می دهد.

ولایتمداری همچنین با آخرت انسان ارتباط دارد و شخص ولایتمدار زمانی که خیالش از سرای آخرت خود به سبب تبعیت و پیروی از اولیا الهی آسوده باشد، روح و روانش در نهایت سلامت واقع می شود.

منابع

- قرآن
 - نهج البلاغه
- (١) ابن اثير، مبارك بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الأثر ، قم: اسماعيليان، ١٣٦٧ش.
 - (٢) ابن بابويه، محمد بن علي، التوحيد للصدوق، قم: جامعه مدرسين، چاپ اول، ١٣٧٦ق.
 - (٣) ابن شعبه حراني، حسن بن علي، تحف العقول عن آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم)، محقق، مصحح، غفاري، علي اكبر، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ دوم، ١٤٠٤ق
 - (٤) ابن شهر اشوب مازندراني، المناقب، ج ٤، قم:المكتبة الحيدريه، ١٣٧٩ق.
 - (٥) ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاييس اللغة، ج ٦، چاپ اول، قم: مكتب الاعلام الاسلامي، ١٤٠٤ق.
 - (٦) ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، جلد ١٥، چاپ سوم، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع- دار صادر، ١٤١٤ق.
 - (٧) احسايني، شيخ احمد، رساله مختصره في شرح احوال المصنف في جواب الملا علي الرشتي، مؤسسه كتاب الابرار، بي جا، بي تا.
 - (٨) اربلي، علي بن عيسى، كشف الغبه، ج ١، قم: مكتبه الحيديه ، ١٣٨١ق.
 - (٩) الأزهرى، محمد بن أحمد، تهذيب اللغة، ج ١٥، دار إحياء التراث العربى، ١٤٢١ق.
 - (١٠) جوهري، اسماعيل بن حماد، الصحاح، جلد ٦، چاپ سوم، بيروت: دار العلم للملايين، ١٤٠٤ق
 - (١١) الحرّ العاملي، محمد بن الحسن، وسائل الشيعة، ج ١١، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ١٤١٢ق.

۱۲) حسانى، عبيدالله بن عبدالله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، محقق و مصحح: محمودى، محمدباقر، ج ۲، التابعة لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامى، مجمع احياء الثقافة الاسلاميه، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

۱۳) حلى، حسن بن يوسف، مختلف الشيعة فى أحكام الشريعة، ج ۲، تهران: موسسه بوستان كتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۱۴) دهخدا، على اكبر، لغت نامه دهخدا، ج ۲، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ش.

۱۵) راغب اصفهاني، حسين بن محمد، ترجمه و تحقيق مفردات الفاظ قرآن، مترجم: خسروى حسيني، غلامرضا، چاپ: دوم، تهران: مرتضوى، ۱۳۷۴ش

۱۶) طباطبايى، سيد محمدحسين، الميزان فى تفسير القرآن، جلد: ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۷ ش.

۱۷) فراهيدى، خليل بن أحمد، كتاب العين، جلد ۸، چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.

۱۸) فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، چاپ دوم، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.

۱۹) كلينى، محمد بن يعقوب، اصول كافى، ترجمه: مصطفى، سيد جواد، جلد ۱، تهران: كتابفروشى علميه اسلاميه، ۱۳۹۱ه ش.

۲۰) مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار، ترجمه: موسى همدانى، جلد: ۲۷، تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۴ه ش.

۲۱) مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار، ترجمه: موسى همدانى، جلد: ۲، تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۴ه ش.

(۲۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ترجمه: موسوی همدانی، جلد: ۳، تهران، چاپ:
اول، ۱۳۶۴ ه. ش.

(۲۳) مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد مطهری، جلد: ۱۶، چاپ هفتم، تهران: صدرا،
۱۳۷۲ ش.

(۲۴) نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج: ۸، قم: آل البيت، چاپ سوم، ۱۳۰۸ ق.

(۲۵) _____، ج: ۱۰، قم: آل البيت، چاپ سوم، ۱۳۰۸ ق.